



چند توصیه برای برگزیدگان انتخابات شوراهای شهر و روستا

تهران از منتخبانش چه می خواهد؟



پرویز پیران

امید است که برجسته‌ترین شیرزنان و جوانمردانی آگاه، آشنا به شرایط کشور و دوستار واقعی این خانه مشترک، ایران عزیز، دارای تجربه مفید و سابقه‌ای پاک، آثانی که دغدغه وحدت تمامی ساکنان این مرز و بوم را در سر دارند، خواهان مشارکت پایدار، واقعی و فعال یکایک ایرانیان‌اند، رنج، درد و نیازهای محرومان را به خوبی می‌شناسند، از درگیری‌ها به هر نام و علتی بیزارند، به راستی و آگاهانه هرگونه زدوبند، باندبازی و رانت‌خوری و رانت‌دهی را زهری کشنده به‌شمار می‌آورند، منافع واقعی و نیازهای گوناگون، حیاتی و فوری شهر و روستای خود را می‌شناسند و برآمده از رای پاک اکثریت انتخاب‌کنندگان شهر و روستای خویش محسوب می‌شوند و تنها و تنها برای خدمتی ماندگار به میدان آمده‌اند، بر کرسی‌های عضویت شوراهای تکیه زندگ که چنین باد، پس از شکل‌گیری اولین شورای شهر تهران، برگزیدگان محترم بر این ناتمام منت گذارده از او خواستند با آنان به گفت‌وگو نشیند. در آن جلسه با برشمردن کاستی‌ها و تناقض‌های گوناگون و مسئله‌آفرین قانون حاکم بر شوراها، سه پیشنهاد مطرح و دلایل و ضرورت آنها به بحث گذاشته شد. نخستین آن سه پیشنهاد تکثیر شورا از طریق شوراهای منتخب محله‌ها بود که به دلیل مسکوت‌بودن این اقدام، نگارنده با بهره‌گیری از تبصره یکی از مواد قانون شورا، طرح شوراباری محله‌ای ایران‌زمین را که نخستین‌بار برای برنامه فقرزدایی و مشارکت مردمی شیرآباد زاهدان طراحی شده و به اجرا در آورده بود، پس از بازبینی و درنظرگرفتن شرایط تهران، به شورا هدیه کرد. پیشنهاد دیگر آغاز برنامه آموزش عمل‌محور اعضای محترم شورا و سه‌ومین پیشنهاد اعلام موضع اعضا درباره مسائل، معضلات و راه‌حل هریک بر پایه نظرسنجی از متخصصان هر حیطه در قالب تدوین اولین منشور شهر تهران بود که سه سال بعد با پامردی یکی از اعضای محترم شورا به فرجام رسید. نگارنده به شهادت چهار پژوهش جامع و انتشار چندین اثر در بیش از ۲۰ سال پایداری و شهروندمداری آن‌هم براساس شرایط تاریخی و اکنونی شهر و روستا در ایران را راهبردهای بدون جایگزین ملی، منطقه‌ای و فضایی مکانی اعلام و با تدوین شهر شهروندمدار و ۲۱ پروژه تعریف‌شده در قالب شهر شهروندمدار، بارها از آن دفاع کرده است. اکنون نیز ایمان دارم که این‌ دو راهبرد چنانچه بر پایه ویژگی‌های تاریخی، اقتصاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی و براساس موقعیت‌سنجی علمی و کاملاً مستند و با تحلیل دقیق توانمندی‌های بالقوه و در دسترس، مبنای برنامه جامع فعالیت شوراهای در محدوده زمانی چهارساله به شمار آید و با مشارکت واقعی مردم و نه دغل‌کاری به نام مشارکت، به اجرا درآید و نظارت همگانی درهم‌تنیده با دانش متخصصان نامداخله‌گر بلکه تسهیل‌کننده امور، در تمامی مراحل جزئی از برنامه‌ها و مراحل هر برنامه‌ای به حساب آید، کاری کارستان به فرجامی نیکو خواهد رسید. پایداری داروی بی‌همتای ناپایداری هر دم ژرف‌تر‌نشودنه کنونی فضا مکان ایران‌زمین، ازجمله شهرها و به‌ویژه تهران است.

در تدوین برنامه پایداری شهری و روستایی کشور عزیزمان، شهروند بر بنیاد حقوق و مهم‌تر از آن، وظایف شهروندی، آن‌هم به دلیل کم‌ترتوجه‌کردن به وظایف و تاکید یک‌سویه بیشتر بر حقوق، از سوی فرهیختگان و آحاد مردم و بالاخره موضوع اصلاً توجه‌نشده اما بسیار حیاتی و لازم یعنی نهادینه و درونی کردن شهروندی، محور منطقی و روش شناختی آغاز نگریرستن بر پایداری است. زیرا آن‌گاه که شهروند به‌گونه‌ای روشمند، محور و بنیاد مرکزی برنامه‌ای فضایی مکانی، تلقی شود، اجرای برنامه، نه براساس خواست محقق بلکه در رابطه‌ای منطقی با محور اصلی، یکی پس از دیگری مشخص می‌شوند و در برنامه‌ای علمی و عملی، جایگاه مناسب و روش‌شناسی دقیق خود را می‌یابند. زیرا با درنظرگرفتن شهروند می‌توان از خود پرسید که چه مسئله‌ای حیاتی‌ترین است؟ پس از پاسخ منطقی، دوباره همان پرسش تکرار شده و در پایان، نتیجه به‌هم‌پیوسته اولویت‌ها و اهمیت هر یک آشکار می‌شود. به این شکل که هر گاه شهروند مرکزیت برنامه فراگیر پرداختن به شهر شود، اولین محور به شکلی بدیهی سلامتی اوست.

سلامتی تمامی انسان‌های یک کشور، موضوعی ملی است. اما در شهر و روستا آنچه به فضا مکان مربوط است، آلودگی‌های محیطی است. در ایران آلودگی هوا و موضوع نادیده‌گرفته‌شده آلودگی صوتی شدید در برخی مناطق، آلودگی آب، خاک، نابودی و فقدان فضای سبز، تولید زباله و به دلیل ناتوانی در بازیافت که طلای کثیف خوانده می‌شود، امحای زباله که در برخی نقاط از جمله شمال کشور به آلودگی‌های جدی محیطی از جمله نابودی جنگل‌ها منجر شده است، آلودگی‌های اشاره‌شده از جمله عوامل جدی صدمه بر سلامتی شهروندان و ساکنان به‌طور کلی است. امروزه فراتر از شهروندان از ساکنان نیز برکنار از ویژگی‌هایشان یاد می‌شود که باید حقوق آنان نیز مانند شهروندان محترم شمرده شود. زباله‌سوزی معضل محیطی دیگری است که هوای آلوده را آلوده‌تر می‌کند. مسئله فاضلاب‌های شهری

کسانی همراه بوده است، که بدین کار مبادرت کرده‌اند. این آرزوی تجمع در صورت تحقق نیز به معضلات، سرنوشت و حتی فلاکت درصد مهمی از مستاجران این‌گونه بناها که با بهسازی و نوسازی قادر به تقبل افزایش اجاره‌ها نیستند، کاملاً بی‌توجه بوده و رانده‌شدن مستاجران به فضاهای زیستی به‌مراتب کوچک‌تر از آنچه داشته‌اند را نظاره می‌کنند.

پس از سرپناه، شهروندان و درمجموع ساکنان باید هر صبحگاه از منزل بیرون روند و به کاری مشغول شوند. اینجاست که بحث حمل‌ونقل شهری، مسائل متعدد آن و ترافیک سرسام‌آور به فهرست مشکلات در انتظار راه‌حل عملی و بهینه، افزوده می‌شود. ترافیکی که در چندین ساعت از شبانه‌روز زمین‌گیر است، ده‌ها معضل دیگر را از پی خود شکل می‌دهد. مثلاً معضلات عصبی و روانی و آثار ناشی از رنج روان آدمیان، هزینه‌های اتلاف وقت در ترافیک و مهم‌ترین عامل مهم در افزایش آلودگی هوا.

شهروندی که معضلات ترافیک باورنکردنی را به جان خریده واز سرپناه خویش بیرون آمده باید در جایی به شغلی مناسب کرامت انسانی، یعنی در درجه نخست شغلی شریف مشغول باشد و درآمدی کافی برای گذران زندگی‌ای آبرومندانه به کف آورد. گرچه ایجاد اشتغال امری ملی است و تابع سرمایه‌گذاری مولد و اشتغال‌زا، شهرها که در دوران جهانی‌سازی از بالا یا از درپچه اقتصاد، در سرمایه‌داری قمارخانه‌ای، عرصه دگرگونی‌های پرشتاب‌اند، باید در ایجاد اشتغال سهمی جدی داشته باشند. از این روی مدیریت به روز، مردمی و آگاه نه تنها برای اشتغال، حداقل برای افزایش درآمد خود باید زمینه سرمایه‌گذاری‌های مولد و پاک را مهیا کند و انگیزه‌های لازم را پدید آورد تا به فروش فسادانگیز و مخرب فضای شهری به اقلیتی آلوده به انواع رانت، مبادرت کنند.

چنانکه ملاحظه می‌شود با انتخاب بهترین راهبردهای حیاتی، مسائلی که باید مدیریت شهری برای بهبود زندگی شهروندان و براساس حق مشخص و خاص به شهر مشخص (حق به شهر) برای بهبود هر آن‌کس یا هر ویژگی که در شهر زندگی می‌کند، انجام دهد، به نوری روشن‌مند، یکی پس از دیگری خود را آشکار می‌کند. شهروند، در سطح شهر باید ایمن باشد، پس آمادگی کامل و همه‌جانبه برای وقوع سوانح طبیعی و انسان‌ساخت، از آموزش همگانی، درست و پایدار تا ایمن‌بودن در مقابل تمامی ناامنی‌ها از منابع مختلف شهری و روستایی، امنیت روانی، جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و روانی نیز از راه می‌رسند. شهروندان و ساکنان نیازمند اوقات فراغت مفید، کافی و خلاق‌اند، باید در شهری سرزنده، پویا، فاقد اغتشاش سیما و منظر، باهویت، خوانا، دارای زیرساخت‌های مدرن و دافما نوشونده و آینده‌نگرانه باشند. نیازمند نظارت‌کردن دائمی، خواهان شفافیت و پاسخ‌گویی و از همه مهم‌تر حضور و مشارکت واقعی و فعال در تمامی عرصه‌ها، جواب مسائل شهرند. بهبوده نیست که امروزه برنامه‌ریزی مشارکتی در تمامی سطوح، از خرده‌محله یا واحد همسایگی تا سطح ملی و بین‌المللی، راهبردی لازم‌الاجرا و حیاتی تلقی شده است.

بحث درآمد شهری در ایران بحثی مستقل و فوری است که برگزیدگان شورا باید به مجرد ورود رسمی به شورا بدون لحظه‌ای درنگ به آن بپردازند. فروش ناعادلانه تراکم جدای از ظلم به شهرویان و آیندگان و جان‌بخشیدن به نوکیسه‌ی ضلمی، قطعی‌کردن شدیدی جامعه شهری و دانش‌زدن به بغض اجتماعی وحدت‌شکن، نابودکننده سرمایه اجتماعی دستگاه‌ها به‌ویژه شوراها و شهرداری‌ها، حاوی فسادی مسری، بدنام‌کردن گروه‌ها و سازمان‌ها، ضدشهروندی و ضد پایداری شهری، به بن‌بست قطعی رسیده است. شورای شهر تهران باید بر ارگانی با ده‌هی ۶۰هزارمیلیاردتومانای پیش‌فروش یک میلیون مترمربع تراکم و ده‌ها پروژه ناتمام نظارت کند و آن را هدایت کند. نگاهی گذرا به مناطقی از شهر تهران و مقایسه آن با تصاویر سراسری ۳۰ سال پیش، به‌خوبی نشان می‌دهد چه بر سر این شهر آمده است. خرید تخلف ساختمانی بی‌حیثیت‌کردن قانون و قانون‌مداری است. باین‌همه بی‌انصافی است اگر فراموش شود که اقدامات ارزشمندی نیز به فرجام رسیده و صدها مدیر، کارشناس و کارمند شریف و زحمتکش نیز در شهرداری‌های کشور به کاری مولد و مثبت مشغول‌اند که بسیاری از آنان از شیوه‌کنونی کسب درآمد، رنجی جانش می‌برند و آرزومند نگه‌داشتن و جایگزین‌کردن آن هستند. اما مسئله فروش تراکم که اقلیتی با آن به نابودی شهر کمر بسته‌اند و شیوه مرسوم آن، آن‌قدر مسئله‌زا و نادرست است که فداکاری‌ها، اقدامات مثبت و زحمات اکثریت کارکنان را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. باید اضافه کرد درآمد سالم شهر، حتی قادر به پرداخت بخشی از هزینه جاری شهر نیز نیست.

پس چه باید کرد؟ در اولین گام باید به بررسی شیوه‌های کسب درآمد در کلان‌شهرهای مشابه تهران آن‌هم با انجام پژوهشی مقایسه‌ای و ضربتی به روش‌های گوناگون، اقدام کرد و در صورت موضوعیت‌داشتن، برخی از آنها را فوراً عملیاتی کرد. درعین‌حال، باید به فهرستی از توانمندی‌های فراوان تهران که می‌تواند درآمدی پایدار را رقم زند دست یافت و به توانمندی‌های بالقوه‌ای اندیشید که در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، قابل دسترسی‌ای‌اند و فورا زمینه‌های بالفعل‌کردن آنها را آماده کرد و به اجرا درآورد. استفاده از امکانات شهرها، عادلانه‌تر نیست؛ عدالت در تمامی ابعاد و وجوه شهر، اقدام مهم دیگری است. شفاف‌سازی قراردادهای کامی حیاتی است. در فرجام نوآوری در درآمدزایی، بحث و اقدام روز دنیاست. از روز نخست فعالیت، باید تکنکی داوطلبانه از متخصصین و صاحب‌نظران شریف و آگاه پدید آید. به‌میدان‌آوردن آحاد مردم شهری معجزه‌ساز است. شهرداری پویا و فرهنگ‌محور ناخبر، حیفه مهم دیگری است. از ورود جهان به دوران انقلاب گردشگری، بیش از دو دهه می‌گذرد. نگارنده سال‌ها پیش در معرفی طرح جامع و مردمی برنامه‌ریزی گردشگری از ۱۳ نوع گردشگر یاد کرده است که تنها دو مورد آن، مناسب ایران نیست. برگزاری انواع همایش‌های بین‌المللی خودکفا و سودآور، نقل محافل شهری است. استفاده دائمی از امکانات موجود در شهرها، بناهایی مانند گالری‌های هنری، انواع سالن، تئاتر و آمفی‌تئاتر، برای اقدامات مختلف درآمدا را نیز نباید از یاد برد. سخن در این باب بسیار است، لیکن نگارنده باور دارم که با صداقت، شفافیت، پاسخ‌گویی همراه با خدمت، مردم پای در راه باری‌دهی می‌گذارند، آن‌گاه به‌راستی معجزه امری روزمره می‌شود.

میهن ما به‌شدت توانمند است. باید التهاب عمومی به آرامش، دوستی و کار و تلاش دیگرخواهانه بدل شود. اخلاق فردی و جمعی به دلایل متعدد، یک‌دست شده به خطر افتاده است. یکی از مهم‌ترین و شاید مهم‌ترین دلیل آن، قبیح‌زدایی از فساد و زیرپا گذاشتن ارزش‌های بنیادین، یک‌دست به صد ساله رفتن است. ارزش‌های شهر و روستا به دلیل محلی بودن، می‌توانند پلی تلقی شوند برای به میدان کار و تلاش‌آوردن مردم و زدودن دیوار بلند دشمنی، بی‌اخلاقی، رانت‌خواری و انواع سوءاستفاده. مسئولان محترم در سطح ملی نیز با استفاده از نظرات اندیشمندان شریف و آگاهی که خود قبول دارند و در صداقت و میهن‌دوستی و درد مردم داشتن آنان تردیدی نیست و از حب و بغض‌های متداول تا آنجا که ممکن است تهی یا بر آنها دهنه زده‌اند، بخواهند تا به تدوین گزارش تصویر واقعی کشور با تاکید بر نقاط قوت و ضعف، همت گمارند، معضلات هر حیطه را فهرست کنند و در رابطه با هر مسئله، راه‌حل‌های عملی را برشمارند. جامعه ایران باید وارد دوران نهادسازی شود. حضور واقعی مردم پیش‌شرط موفقیت چنین فرایند راهبردی است. چنین بادا.

زاویه

درپچه

روحیه فردی و انتخاب انتلافی سیدہ اکرم میرزایی

انتخابات هرچه که باشد، نمونه‌ای از تلاش ما برای زندگی فردی است. اگر این گفته نقل به مضمون افلاطون را بپذیریم، بسیاری از مناسبات سیاسی از جمله انتخابات شورای شهر را می‌توانیم با وضعیت روحی و خاستگاه‌های فردی و اجتماعی افراد بررسی کنیم. انتخابات شوراهای شهر و روستا، به دو دلیل در بسیاری از موارد تابع ائتلاف‌ها و جمع‌ها و گروه‌ها می‌شود. در این موارد به جای انتخاب یک فرد، فهرستی از چند نامزد به توافق‌رسیده به‌عنوان لیست پیشنهادی ائتلاف مطرح می‌شود تا مردم بتوانند از میان ازدحام کاندیداهای مختلف- که در شهرهای بزرگ بعضاً برای عموم ناشناخته هستند- به افرادی با سلائق نزدیک‌تر به خود رای دهند. نظام رسیدن به چنین ائتلاف‌هایی گاه ساده - خصوصاً در شهرهای کوچک- و گاه بسیار پیچیده است چراکه هر ائتلافی برای به‌دست‌آوردن مشارکت حاکتری مردم ناچار است که دست به انتخاب‌های جدی و با تاکید بر موضوعات کلیدی بزند. رسیدن به یک ائتلاف می‌تواند مردم متمایل به جریان مورد نظر را از اتلاف وقت، سردرگمی و اضطراب نجات دهد. اینجا، مسئله این است که مردم برای همه کاندیداهای طیف نزدیک به خود احترام قائلند ام رای خود را به فهرست ائتلافی می‌دهند به سه دلیل که عموماً منشأ روانی دارد:

۱- اعتماد به ریش‌سفیدها
۲- دوری از تنش‌های پس از اعلام نتایج
۳ دوری از تنش‌های گروهی با همفکران خود که رای نیاورده یا در فهرست نبوده‌اند.

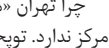
در این میان اما یک نکته را نباید نادیده گرفت، هر انتخابی که براساس فهرست ائتلافی صورت می‌گیرد (در مورد فهرست‌هایی که عموماً به تأیید ریش‌سفیدان جریان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی) می‌رسد به نوعی ظرفیت را برای فرد آینده به وجود می‌آورد که پس از رای‌آوردن نامزدهای فهرست، از طریق همان ریش‌سفید از آنها طلب مطالبه کند. عموماً ائتلاف‌هایی که اخیراً در انتخابات پنجمین دوره شورای شهر صورت گرفت، فهرست‌هایی بدون ریش‌سفید به همراه داشت. این موضوع به خودی خود نشان‌دهنده افزایش روحیه کار گروهی نامزدها بوده و طبعاً چه از نظر محیط‌زیستی و چه از نظر اثربخشی سیاسی قابل تقدیر است اما فهرستی که منبع و مرجع گزینش آنها، فرد سرلیست است بطور می‌تواند برای رأی‌دهندگان فضای مطالبه‌گری را ایجاد کند؟ براساس دانش مشاوره‌ای، مطالبه‌گری جمعی و مطالبه‌گری فردی دو تفاوت مهم دارند. شما به‌عنوان شهروند یک کشور، پس از انتخاب رئیس‌جمهور، چه به او رای داده باشید و چه نداده باشید، حق مطالبه‌گری دارید این موضوع اما در مورد مطالبه‌گری جمعی با چالش‌هایی همراه است.

تعدد افرادی که به شوراهای شهر راه پیدا می‌کنند، مجال مطالبه فردی را از فرد رای‌دهنده می‌گیرد و به نوعی او را تحت این فشار قرار می‌دهد که « اگر به فرد یا افرادی که مرجعتی فردی آنها را برای من گزینش نکرده رای بدهم چه ضمانتی وجود دارد که آن افراد مطالبه‌گر مطالبات من باشند؟» چنین پرسش‌هایی صرفاً پرسش‌های سیاسی نیستند، ما در نظام خانواده و تربیت هم با چنین سؤالاتی مواجه هستیم و شاید به همین دلیل است که از کودکی، سعی می‌کنیم نظام خانواده را براساس و حول محور یک فرد (بدر یا مادر) باور کنیم و در مراتب بعدی، خواهان این هستیم که پیوندهای خانوادگی و فامیلی ما با مرجعیت ریش‌سفید قایل‌عمیق‌تر شود.

✽ مشاور و مدرس دانشگاه

تجربه دیگران

آینده‌نگری و توصیه‌هایی برای شهر بهتر یادی از شیوه اداره تهران بر اساس طرح جامع



رضا بهیانی

استاد دانشگاه و شهرساز

چرا تهران «میدان» ندارد؟ آزادی که میدان نیست، چرا تهران مرکز ندارد. توپخانه؟ بازار؟ زمانی که تهران بیش از چهار محله نداشت، عودلajan، سنگلج، بازار و چاله میدان، شاید سیزه‌میدان و میدان ارگ، میدانش بود. با کودتای ۱۲۹۹ سیدضیا و روی‌کارآمدن رضاشاه و رونق مدرنیته، توپخانه با ساختمان پست‌خانه در جنوب و شهرداری در شمال و بانک شاهی در شرق شکل میدان را به خود گرفت. چنین میدانی با آبنمای بزرگ و فواره‌های رنگینش که برای ایرانی‌ها و مخصوصاً تهرانی‌ها نو و شادی‌آور بود، محلی برای تفریح مردم، به‌خصوص در شب که فواره‌های رنگین به هوا می‌رفتند، شد. لاله‌زار به گذری نو و دل‌انگیز برای پرسه‌زدن مدرن‌ها تبدیل شد. اولین طرح جامع تهران در سال ۱۳۴۸ به وسیله شادروان عبدالعزیز فرمانفرمایان و با همکاری ویکتور گرونن تهیه شد. در این طرح ضمن طراحی هشت مرکز ناحیه در روی یک محور شرقی - غربی، یک میدان و مرکز اصلی در اراضی عباس‌آباد، پیش‌بینی شده بود. به نیست یادآوری شود که این اراضی تا قبل از تهیه طرح جامع یادگان عباس‌آباد، به جـا مانده از دوره قاجار بود. برای یادگان عباس‌آباد و در جهت عمران این اراضی، از همان دوره قاجار دو رشته قنات برای آن حفر کرده بودند. یکی به شمال غربی تا باغ فردوس و دیگری به شمال شرقی تا قلهک امتداد داشت و همین قنات‌ها در دوره صدارعظمی حاج میرزا آقاسی، ضرب‌المثل مشهور «اگر آب ندارد برای تو که نان داره» را به سر زبان‌ها انداخت.

سه سال پس از تصویب طرح جامع اراضی عباس آباد، شرکت نوسازی عباس‌آباد با مدیریت شادروان مهندس ناصر بدیعی تشکیل شد که شریف‌ترین و اولین شهرساز ایران بود؛ همان کسی که در طراحی و در ساخت نارمک مشارکت داشت. پس از تملک این اراضی و خلیج‌د ارتش از اراضی عباس‌آباد، برای مرکز تهران مسابقه‌ای بین‌المللی آغاز شد که در این مسابقه معماران معروف جهان، از جمله الوار التو و کنزو تانگه شرکت داشته و شرکت مهندسان مشاور لولین دیویس برنده شد. متأسفانه کلیه اسناد این مسابقه بین‌المللی و کلیه نقشه‌های اجرایی شرکت لولین دیویس در هیجانات روزهای اول انقلاب اسلامی معدوم شد. همان‌طور که بعد از انقلاب اراضی عباس‌آباد همانند رواندازی چهل‌کله به فنا رفت، روح مرحوم مهندس جواد شهرستانی‌شاد، به یاد می‌آورم ماه‌های قبل از انقلاب به شادروان مهندس بدیعی تاکید می‌فرمودند که اراضی شمالی و شرقی شرکت نوسازی عباس‌آباد درخت‌کاری شود تا در آینده به زانغ‌نشین تبدیل نشود. چه آینده‌نگری نبود او؟! اگر این همت در درخت‌کاری صورت نپذیرفته بود، اکنون اراضی عباس‌آباد چیزی در حد خاک سفید و تهران‌نویا سنگ دوقلوی کلاب‌دره بود.

کار اجرای طرح مهندسان مشاور لولین دیویس شروع شد و شرکت نوسازی عباس‌آباد و دفتر مهندسان مشاور لولین دیویس، به ساختمان مدرسه سنن لونی (از قدیمی‌ترین مدارس فرانسوی در ایران) منتقل شد. همان ساختمانی که در دوران جنگ تحمیلی به زندان اسرای عراقی تبدیل شد. بزرگراه مدرس قطعه اول متروی تهران (از ایستگاه میرداماد تا خیابان آپادانا (خرمشهر)، پل جهان کودک (بر روی مدرس) لایروبی دو قنات، احداث پارک طالقانی و آماده‌سازی شهرک دیپلماتیک از یادگان آن دوران‌اند. شهرک دیپلماتیک در همین مکانی که ترمینال بهیقی است برای سفارتخانه‌های کشورهای خارجی که در سطح شهر تهران پراکنده بودند، طراحی شده بود و مقر بود سفارتخانه‌های خارجی همگی به این مکان منتقل و سفارتخانه‌های قدیمی در سطح شهر به شهرداری تهران برای کاربری‌های عمومی واگذار شود. اولین موافقت‌نامه مبادله زمین برای احداث سفارتخانه‌ها در دو کشور بین دولت چین و دولت ایران به امضا رسید و دولت چین زمینی در پکن به دولت ایران داد و ایران سفارتخانه خود را در پکن، احتمالاً با طراحی مهندس امانت ساخت. ولی متأسفانه ما نتوانستیم به تعهدات خود عمل کنیم و شهرک دیپلماتیک را به پایانه و پارکینگ بهیقی تبدیل کردیم.

در همین‌جا بد نیست این نکته را هم اضافه کنیم که قرار بود محل اقامت سفرای خارجی نیز در سواحل دریاچه تیان که به‌صورت شهرکی طراحی شده بود منتقل شود و نکته آخر در مورد اراضی عباس آباد؛ براساس سستی قدیمی که ما ایرانیان از گذشته‌های دور داشتیم در احداث خانه و کاشانه و هر ساختمان عمومی برای خوش‌بین شدن سکه‌ای در پی می‌انداختیم، شاه نیز در احداث این مجموعه چنین کرد. روز ۲۴ بهمن سال ۱۳۵۷ برخی با بیل و لودر و بلدوزر به محل آمدند و مشغول حفاری شدند وقتی از آنها سؤال شد که چه کار می‌کنید؟ جواب دادند که در این مکان شاه گنجی را پنهان کرده است و ما به دنبال آن هستیم!!!

